

در ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی شایسته است تحلیلی درباره شرایط فعلی انقلاب و آسیب‌شناسی آن تقدیم کنیم.

۱- دشواری‌ها و ناهمواری‌های راه

ابتدا به آیات سوره «ضحی» اشاره می‌کنم و نکته‌ای را متذکر می‌شوم. اعدوِ بالله مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. «بسم... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* وَ الضَّحٰی* وَ اللَّیْلِ إِذَا سَجٰی* مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلٰی* وَ لِآخِرِهِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاَوَّلٰی* وَ لَسَوْفَ یُعْطِیْكَ رِبْكَ كَمَا نَزَّلَ لَدٰیكَ الْقُرْآنَ وَ نُوْرٌ اَنْ فَرَگَیْمِ مٰی سُوْد؛ از نورش شدن روز، تعبیر به «ضحی» می‌شود. «اللَّیْلِ إِذَا سَجٰی» زمانی است که شب آرام می‌گیرد و کاملاً تاریکی فراگیر می‌شود. آغاز شب هنوز هوا کمی روشن است و نور خورشید در آسمان دیده می‌شود؛ این تاریکی کم‌کم غلبه پیدا می‌کند تا اینکه هوا کاملاً تاریک می‌شود. شاید فضیلت نماز عشا هم همین موقع باشد. از هنگامی که شب آرام می‌گیرد، به «اللَّیْلِ إِذَا سَجٰی» تعبیر می‌شود. در روایات، یک معنای دیگر هم برای این دو سوگند بیان شده است. «ضحی» نور و پرتو نبی اکرم (ص) است که عالم را روشن می‌کند؛ ولی باید دورانی بر آن بگذرد؛ در عصر ظهور و رجعت است که حقیقت عالم به نور نبی اکرم (ص) نورانی شده و دین حضرت ظاهر می‌شود. تا قبل از این مرحله، دین و حقایق که حضرت با خودشان آورده‌اند در پرده حجاب است؛ و عالم هنوز به آن نور، روشن و نورانی نشده است؛ بعد از ظهور و رجعت است که عالم روشن می‌شود. بنابراین در بعضی از روایات «ضحی» به همان دوران ظهور تفسیر می‌شود که در آن، حقیقت نور نبوت و ولایت، عالم را روشن می‌کند. معنای باطنی «اللَّیْلِ إِذَا سَجٰی» هم شاید دوران سختی‌ها و درگیری‌ها و پُرده‌ها و حجاب‌هایی است که تا قبل از ظهور بر حقیقت دین می‌افتد. (همین دوران‌های سختی که تا امروز تجربه‌شده و ما هم تجربه می‌کنیم.)

به‌رحال خدای متعال این دو قسم را می‌خورد. بعد می‌فرماید: «مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلٰی» پیغمبر ما! پروردگارت نه تو را رها کرده و با تو وداع کرده و نه نسبت به تو خشم و غضب کرده است. سپس دو وعده به حضرت می‌دهد. می‌فرماید: «وَ لِآخِرِهِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاَوَّلٰی» عالم آخرتی برای شما در نظر گرفتیم که از این اولی خیلی بهتر است. این وعده اول است. وعده دوم «وَ لَسَوْفَ یُعْطِیْكَ رِبْكَ بِرَبِّكَ فِتْرٰتِیْ» است؛ یعنی خدای متعال اینقدر به تو عطای می‌کند که راضی شوی. این دو در روایات هم تفسیر شده‌اند. «وَ لِآخِرِهِ» به رجعت حضرت تفسیر شده که حضرت دوباره برمی‌گردند و دین حضرت و نبوت ایشان در عالم حاکم و موانع و حجاب‌ها برداشته می‌شود. «وَ لَسَوْفَ یُعْطِیْكَ رِبْكَ» هم ناظر به قیامت است؛ خدای متعال آنقدر دست حضرت را در دستگیری از امت و مردم باز می‌گذارد که حضرت راضی شوند. این یک ترجمه کوتاه از این آیات بود.

شاید کلید فهم این آیات آن باشد که مگر این توهم بوده که خدای متعال نسبت به پیغمبر خود غضب کرده یا ایشان را فرستاده و در وسط میدان رها کرده است؟ آیا تصور شده بود خدای متعال این بار بزرگ را روی دوش پیامبر (ص) گذاشته و فرموده است که تو ما تو را فرستاده‌ایم تا همه مردم را هدایت کنی «وَ مَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» و تا قیامت بار همه مردم روی دوش تو است و تو باید همه را به‌مقد برسانی، اما در مقابل هرچو سنگین شیاطین و ابلیس، ایشان را در وسط میدان رها کرد؟ است؟! یا توهم می‌شده که خدای متعال نسبت به این پیامبر (ص) غضب کرده و ایشان در میانه کار صف خود را از خداوند جدا کرده است؟ آیا این طور است؟

در ظاهر توهمی وجود داشته است؛ این توهم چه بوده است؟ شاید تلقی این بوده است که وقتی پیامبر (ص) تشریف بیاورند زندگی مردم به یک سامان ظاهری می‌رسد و همه در دنیا با خوشی زندگی می‌کنند؛ ولی حالا حضرت آمده‌اند و آمدن ایشان آغاز درگیری‌هاست. تا وقتی در مکه بودند، آن سختی‌ها

و سه سال شعب ابیطالب پیش آمد که قریش حضرت را محاصره کرده بودند و حضرت و اصحاب حتی غذا نداشتند و گرسنه به‌سر می‌بردند. بعد هم در مدینه با اصحاب صفه و جنگ‌های پی‌درپی مواجه بودند که در این جنگ‌ها و آن محاصره سخت، روزانه غذای دو مجاهده‌ای که در میدان نبرد می‌جنگیدند یک‌دانه خرما بود. طبیعتاً عده‌ای تصور می‌کردند که نکند خدای متعال این پیامبر(ص) را رها کرده است. به‌خصوص در سختی‌هایی که در دوران جنگ‌ها پیش می‌آمد چنین تصویری می‌شد. در جنگ احد مسلمانان به‌حسب ظاهر شکست‌خورده و

حضرت حمزه به شهادت رسید. تلقی عده زیادی از مسلمین این بود که شاید برحق نیستند که راه‌شان اینقدر سخت است. قرآن از زبان آنها نقلی می‌کند که می‌گفتند: «لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْاَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا»؛ اگر ما برحق باشیم که نباید این طور کشته شویم؛ این سختی‌ها علامت این است که ما برحق نیستیم؛ به‌خصوص شیاطین و اهل نفاق این شبهات را پراکنده می‌کردند که اگر پیغمبر (ص) و راه شما حق بود، چرا شکست خوردید؟ چرا از پیروز پیروز شد؟ چرا شما گرسنه‌اید و به اندازه آزاره زندگی خودتان هم امکانات ندارید، ولی دست قریش و کفار بر آن سرمایه است؟! پس شاید آنها حقند! این توهم می‌شده است. درباره انبیا‌ی دیگر هم گاهی قرآن همین سخن را از امت‌شان نقل می‌کند: وقتی انبیا (ع) می‌آمدند و کار سخت می‌شد، امت‌شان به همین شبهه دچار می‌شدند و می‌گفتند «شاید اصلاً ما مسیر را اشتباه



گفتاری از آیت‌آ... سید محمد مهدی میرباقری در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب

نباید دایره انقلابی‌گری را تنگ کنیم



فرهیختگان: متن پیش‌رو گفتاری از آیت‌آ... میرباقری، رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم است که در سالگرد ۹۶ امیرا شده و برای اولین‌بار به صورت کامل منتشر می‌شود. ایشان در این سخنرانی در مورد شرایط فعلی انقلاب و آسیب‌شناسی راه طی شده در ۴۰ سال گذشته نکاتی بیان کرده است. بخش ابتدایی با بخشی قرآنی پرآمو آنات سوره «ضحی» و مسیر تاریخی جامعه مسلمین در صدر اسلام و دشواری‌ها و ناهمواری‌های راه بندگی آغاز و در ادامه به بنشارت پروردگار به پیامبر (ص) برای گذار از دوران سخت و وعده «ضحی» اشاره می‌شود. آیت‌آ... میرباقری معتقد است توجه به نعم الهی موجب افزایش قدرت تحمل و صبر در این راه و فتوحات جبهه مومنان پاداش استقامت در این مسیر خواهد بود.

رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم در بخش بعد با ورود به دوران انقلاب اسلامی به تقریر محل نزاع درگیری انقلاب با تمدن مادی غربی می‌پردازد و ظهور انقلاب اسلامی به‌عنوان یک انقلاب معنوی در مواجهه با لیبرال دموکراسی غربی را مورد توجه قرار می‌دهد. این درگیری جدی است و جبهه حق در این چالش مسیر پر فراز و نشیبی را پیش‌روی خود خواهد داشت که در تازه‌ترین مرحله خود به رویارویی نظامی جبهه مقاومت با جبهه استکبار رسیده است. در این میان انقلاب اسلامی از دو جریان معارض داخلی (غرب‌گرا) و منطقه‌ای (سلفی‌گری) عبور کرده است و این‌ها فتوحات جبهه انقلاب به‌شمار می‌رود. آیت‌آ... میرباقری در نیمه پایانی این سخنرانی نیز به آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی می‌پردازد و معتقد است باید برای آسیب‌شناسی دقیق، سهم نهاده‌ها، ساختارها و مفاهیم نیز دیده شود: «در آسیب‌شناسی باید سهم نهاده‌ها و ساختارها و مفاهیم را هم دید؛ بخشی از اشکالاتی که ما روی دوش دولت‌ها می‌گذاریم، مربوط به ساختارها و نهاده‌ها و مفاهیم است. در واقع تصمیم‌سازان بیشتر مقصدند، تصمیم‌سازانی که همیشه هم اویزیسیون‌اند؛ مدل‌ها و الگوها هم مقصدند؛ الگوی سرمایه‌داری دیگر در دنیا جواب نمی‌دهد، آن وقت عده‌ای در کشور ما این‌الگو را حلال‌حوامی کنند. متفکران غرب از این‌الگو عبور می‌کنند ولی آنها رهاییش نمی‌کنند». در ادامه متن کامل این سخنرانی را خواهید خواند.

و مادرش را در طفولیت و جد و حامی خود را هم در کودکی از دست داده است، خدای متعال طوری او را بلند کند که همه عالم در زیر چتر او زندگی کنند؟ همان خدایی که این کار را کرد، بقیه راه را هم چلو می‌برد. شما فقط یک کار کنید: «فَمَا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ* وَ اَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ* وَ اَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ». عده‌ای از این امت شما واقعا سائل و یتیم هستند؛ یا آنها برخورد مناسب داشته باشید. از نعمت‌هایی هم که خدای متعال به شما و امت‌تان داده برای مومنان بگویند تا بتوانند در راه صبر کنند.

اگر از نعمت‌هایی که خدا به جبهه مومنان عطا کرده غافل شویم، تحمل‌مان تمام می‌شود؛ ولی اگر در کنار سختی‌های راه، نعمت‌های بزرگ و فتوحات بزرگی را که خدای متعال عطا فرموده ببینیم، قدرت تحمل‌مان بالا می‌رود. بله، مردم کنار حضرت گرسنگی می‌کشیدند؛ اما عده‌ای جنگ‌های سخت می‌کردند، به انسان‌هایی موحد و خدابپرست تبدیل شدند. مردمی که دولت‌های استکباری رم و ایران به حدی تحقیرشان کرده بودند که اصلاً به حساب نمی‌آمدند، در طول سه دهه هر دو حکومت را شکست دادند. اگر این نعمت‌ها را به یاد آوریم، توان صبر پیدا می‌کنند. باید درباره این نعمت‌ها با مسلمانان گفت‌وگو شود تا بفهمند دلیل این سختی‌های راه چیست. این سختی‌ها برای این است که از این آدم‌های معمولی انسان‌های فوق العاده ساخته شود؛ از آنها‌یی که دنبال پرستش بت و چوب و خورشید ماه و امثال آن بودند انسان‌های موحد و خالص درست می‌شود. یک‌دانه برای سبز شدن باید بزخاک برود و سختی‌های آن دوران را که به‌منزله رحم برای گیاه است، تحمل کند تا بعد شکوفا شود؛ نور خورشید می‌تابد، باران رحمت الهی می‌بارد و به وقتش این دانه شکوفا خواهد شد، ولی این شکوفایی زمان می‌برد. پس کارهای بزرگ، زمان خودش را می‌برد؛ ولی ثمراتش هم ثمرات بزرگی است و به این هزینه‌ها می‌آرزد.

۲- فتوحات جبهه مومنین و پادشاهی الهی
گویا نبی اکرم (ص) نگران امت خود بودند؛ چون خود حضرت که مومن بالله هستند؛ این سختی‌ها که حضرت را از پا درنمی‌آورد؛ ایشان هم در این سختی‌ها هستند و از این سختی‌ها استقبال می‌کنند؛ قول تحمل این سختی‌ها را به خدای متعال داده‌اند و به این دنیا آمده‌اند. اما حضرت واقعا نگران امت خود هستند؛ آنها‌یی که به حضرت ایمان آوردند و دل خوش بودند و این راه طولانی را نمی‌دیدند. قرار هم نیست حضرت همه سختی‌های راه را از ابتدا بگویند؛ حضرت نگران بودند که سختی‌های زیادی که مردم با ایشان می‌کشند، مباد آنها را از پا بیاورد. خدای متعال می‌فرماید: نگران نباشید؛ به قدری به شما اجازه می‌دهیم از امت خود دستگیری کنید که راضی شوید. در قبال این سختی‌ها پادشاهی عظیمی در آخرت هست. در همین دنیا هم رجعتی هست؛ شما برمی‌گردید، مومنان کامل برمی‌گردند و در همین دنیا تحقق دین الهی تجربه می‌شود؛ ولی این یک مسیر طولانی است که باید پای آن بایستد. خدای متعال در وسط سوره هم از گذشتن دست‌های می‌گوید و در این باره می‌فرماید: ببینید ما در گذشته چطور از شما دستگیری کردیم! چه کسی باور می‌کرد یتیمی که پدرش را (طبق نظر مشهور) قبل از تولد

۳- قوت‌ها و ضعف‌های دوران انقلاب اسلامی
حالی ضروری سریع به وضعیت کنونی انقلاب اسلامی خواهیم داشت. انقلاب اسلامی در نقطه مقابل جریان روشنگری - به قول خودشان - در غرب قرار دارد. به بیان آنها رنسانس نوعی نوزایی است که در غرب اتفاق افتاده و سرآغاز شکل‌گیری این امپراتوری مادی بزرگ در جهان بوده است، مرحله‌ای را پشت‌سر گذاشته و آخرین مرحله آن هم غلبه لیبرال دموکراسی و نظام سرمایه‌داری بر کل رقیبای خود و حاکمیت این نظام بر جهان است. در دوران غلبه این حاکمیت، انقلاب اسلامی تنها ندای خداخواهی و معنوی‌خواهی و دعوت به حق و انبیاست که اتفاق افتاده است.

مقیاس درگیری این انقلاب نیز درگیری با این تمدن بزرگ مادی است. ما در این انقلاب به دنبال نجات ملی بودیم، به دنبال رهایی کشور از استبداد و استعمار بودیم؛ همه اینها درست است ولی حقیقت این است که این حرکت عظیم یک حرکت بزرگ و یک پاسخ بزرگ از جبهه حق و ادیان الهی به تمدن مادی است؛ تمدنی که مدعی همه عالم و مدعی نفی دین است. البته الان کمی لحن خود را تعدیل کرده‌اند که این هم از برکات انقلاب اسلامی است؛ ولی در دوران قبل از انقلاب اسلامی با صدای بلند می‌گفتند که دوران دین تمام شده است. هم مارکسیست‌ها و هم غرب سرمایه‌داری، هریک با

ادیات خود این را می‌گفتند؛ اولی می‌گفت «دین افیون ملت‌هاست» و دومی هم می‌گفت «در غرب، خدا مرده است» علت پیشرفت و ترقی ما این است که ما دین و مفاهیم قدسی را رها کرده‌ایم، به ادیان و انبیای الهی پشت کرده‌ایم و خودمان با اهواای خودمان جهان را ساخته‌ایم، در چنین دورانی و در مقابل چنین مکتبی که مدعی جهان است، یک انقلاب معنوی برای مقابله با آن ظهور یافته است؛ بنابراین کار خیلی سخت است. کسانی که از ابتدا معقو کار را می‌بینند، می‌فهمند که این کار یک روز و دو روز به نتیجه نمی‌رسد، سال‌ها مبارزه می‌خواهد. می‌فهمند که این حرکت در خلأ نیست که اگر امروز کشور در دست ما افتاد، فردا همه چیز روی نظم و برنامه باشد؛ این‌طور نیست. انقلاب شما یک کار بزرگ است که دشمن‌های بزرگ جهانی دارد. الان با جنگ‌هایی که در داخل و در منطقه و در گستره بین‌المللی علیه ما به راه انداختند و همه جهان هم دست‌به‌دست هم دادند، دشمنی آنها آشکار شده است؛ از جنگ‌های قومی و کودتا و جنگ هشت‌ساله گرفته تا محاصره اقتصادی چهل ساله و دیگر تلاش‌هایی که در جهان علیه انقلاب شده و می‌شود. فشاری که الان در جهان بر ما وارد می‌آورد، بی سابقه است؛ همه هم معرفی‌اند؛ یعنی محاصره‌ای کاملاً استثنایی و جهومی همه‌جانبه است. بنابراین از اول پیدا است که این سهم بسیار پر فراز و نشیب است. مرحوم عسکرواولادی نقل کرد: ما در آغاز مبارزه از معمولی انسان‌های فوق العاده ساخته شوه؛ از آنها‌یی که دنبال پرستش بت و چوب و خورشید ماه و امثال آن بودند انسان‌های موحد و خالص درست می‌شود. یک‌دانه برای سبز شدن باید بزخاک برود و سختی‌های آن دوران را که به‌منزله رحم برای گیاه است، تحمل کند تا بعد شکوفا شود؛ نور خورشید می‌تابد، باران رحمت الهی می‌بارد و به وقتش این دانه شکوفا خواهد شد، ولی این شکوفایی زمان می‌برد. پس کارهای بزرگ، زمان خودش را می‌برد؛ ولی ثمراتش هم ثمرات بزرگی است و به این هزینه‌ها می‌آرزد.

۲- فتوحات جبهه مومنین و پادشاهی الهی
گویا نبی اکرم (ص) نگران امت خود بودند؛ چون خود حضرت که مومن بالله هستند؛ این سختی‌ها که حضرت را از پا درنمی‌آورد؛ ایشان هم در این سختی‌ها هستند و از این سختی‌ها استقبال می‌کنند؛ قول تحمل این سختی‌ها را به خدای متعال داده‌اند و به این دنیا آمده‌اند. اما حضرت واقعا نگران امت خود هستند؛ آنها‌یی که به حضرت ایمان آوردند و دل خوش بودند و این راه طولانی را نمی‌دیدند. قرار هم نیست حضرت همه سختی‌های راه را از ابتدا بگویند؛ حضرت نگران بودند که سختی‌های زیادی که مردم با ایشان می‌کشند، مباد آنها را از پا بیاورد. خدای متعال می‌فرماید: نگران نباشید؛ به قدری به شما اجازه می‌دهیم از امت خود دستگیری کنید که راضی شوید. در قبال این سختی‌ها پادشاهی عظیمی در آخرت هست. در همین دنیا هم رجعتی هست؛ شما برمی‌گردید، مومنان کامل برمی‌گردند و در همین دنیا تحقق دین الهی تجربه می‌شود؛ ولی این یک مسیر طولانی است که باید پای آن بایستد. خدای متعال در وسط سوره هم از گذشتن دست‌های می‌گوید و در این باره می‌فرماید: ببینید ما در گذشته چطور از شما دستگیری کردیم! چه کسی باور می‌کرد یتیمی که پدرش را (طبق نظر مشهور) قبل از تولد

تا همین الان هم اتفاقاتی از این دست رقم خورده است؛ ما از غرب سوسیالیستی و کمونیستی عبور کرده‌ایم؛ مارکسیست‌ها حذف شده‌اند. اینها مجموعه مقتدری بودند؛ نیمی از قدرت نظامی جهان در اختیار ائتلاف ورشو (شوروی آن موقع و هم‌پیمانانش) در مقابل ناتو بود، قدرت اقتصادی آنها هم بسیار بود، ده‌ها میلیون کشته داده بودند؛ اما تمام شد و فاتح‌هاش تلاش خوانده شد. این از برکات انقلاب اسلامی و مقاومت و شهادت است. اگر ما هیچ دستاوردی نداشته باشیم و انقلاب همین‌جا بایستد، به نظر شما نمی‌آرزد؟ می‌آرزید که ۴۰ سال زحمت بکشیم و از این مکتب عبور کنیم. بحرانی که ما با غرب داریم، یک بحران جدی است. سرمایه‌داری روبه پایان است و این هم به دلیل چالش آن با انقلاب اسلامی است. درست در نقطه‌ای که آنها احساس می‌کردند به غلبه مطلق رسیده‌اند و پیروز

جهانند، متفکران آنها متوجه شدند که اصلاً این طور نیست و دوران، دوران برخورد تمدن‌هاست و رقیب آنها تمدن اسلامی با محوریت ایران است. بنابراین همه قوای خود را متمرکز کردند، جنگ منطقه‌ای را علیه ما آغاز کردند و زمان هم معین کردند و گفتند سال ۲۰۰۵ نوبت ایران است! بوش هنگام حمله به خاورمیانه، برای تصرف ایران تاریخ معین کرد. ما هم تا آن زمان اگرچه انقلاب خود را از نظر فرهنگی از مرزهای جغرافیایی عبور داده بودیم، ولی تقریباً حضور مستقیم نداشتیم. بعد از آن ناچار شدیم در مقابل آنها حضور مستقیم پیدا کنیم که جبهه مقاومت در منطقه شکل گرفت و به فضل الهی ما هر روز پیروزتر شدیم و رقیب ما هر روز ضعیف‌تر؛ اینها نعمت‌های خداست. کشورهایی که به تعبیر امام (ره) با حرکت دادن یک کشتی، دولت ساقط می‌کردند الان در وضعیتی هستند که در مسائل منطقه‌ای زمین گیر شده‌اند؛ همه قوای خود را می‌آورند ولی نمی‌توانند کاری بکنند.

نسبت به جریان‌های داخلی دنیای اسلام هم ما از دو جریان تقریباً عبور کرده‌ایم؛ یکی جریان غرب‌گرا و دیگری جریان سلفی‌ها و عربستان. اینها نعمت‌های خداست. هرکدام از این پیروزی‌ها واقعا نیاز به سرمایه‌گذاری‌های فراوانی داشت؛ ما خیلی کم سرمایه‌گذاری کردیم ولی این فتوحات به‌دست آمد. من معتقدم ملت بزرگوار ما این فتوحات را هم می‌فهمند و هم ارجح می‌فهند.

در آسیب‌شناسی انقلاب هم سه نکته را اشاره می‌کنم. نکته اول این است که ما نباید در زمین دشمن بازی کنیم. آنها جنگ روانی راه می‌اندازند و می‌خواهند ما را منفعول کنند تا ما بگوییم «خیلی بد شد، اشتباه کردیم، کاش همان نظام شاهنشاهی باقی بود؛ باید توبه کنیم»؛ انقلاب شکست خورد و مردم برگشتند. این جنگ روانی است. تحلیل بنده این است که اکثریت و قاطبه مردم بزرگوار ایران انقلاب را می‌خواهند؛ استقلال را می‌خواهند، عزت را می‌خواهند، آزادی را می‌خواهند. نمی‌خواهند اسیر قدرت‌ها و کشورهای دیگر باشند و دیگران برای شان تصمیم بگیرند؛ دین‌شان را می‌خواهند، اسلام را می‌خواهند؛ شک نکنید؛ ولی در کنار این، مطالبات حقیقی هم دارند و مطالبات‌شان هم باید مورد توجه قرار گیرد.

زمانی که جریان اصلاحات در انتخابات شکست خورد، بعضی از متفکران اصلاحات گفتند و نشریات آن روز آنها هم نوشتند که «ما اشتباه کردیم؛ مردم نان می‌خواستند و ما خیال می‌کردیم که آزادی می‌خواهند؛ ما روی آزادی مردم سرمایه‌گذاری کردیم ولی آنها نان می‌خواستند»؛ یعنی مردم را تحقیر می‌کردند ولی این‌طور نیست؛ مردم نان می‌خواهند، آزادی و عدالت می‌خواهند، اما همه را زیر سایه اسلام می‌خواهند.

بنابراین من معتقدم نعمت‌های خداوند برای ما در طول این چهل سال، با نعمت‌های خیلی از امت‌ها در طول قرن‌ها قابل مقایسه نیست. ولی ما چون در همین دوران زندگی می‌کنیم، نمی‌توانیم افتخاراتی را که خدای متعال در این دوران برای این ملت و جوانان رشیدش خلق کرده است، ببینیم؛ نمی‌توانیم قله‌های مقویستی را که اینها فتح کرده‌اند و به تاریخ این نداشتن است ببینیم. فقط از دو به تاریخ صدر اسلام نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که چه دوران افتخارآمیزی بوده است (آن هم فقط در یک مقطع)؛ این دوران بی‌شک جزء افتخارآمیزترین دورانی است که در تاریخ بر امت‌ها گذشته است؛ خیلی فوق العاده است. نمی‌گویم هیچ ضعفی نداریم؛ هم مسئولان ما ضعف و گاه خطا دارند، هم مردم ما گاهی ضعف دارند؛ ولی این امت در مجموع امتی به نظیر و این دوران هم دوران درخششی است. عاده است. اگر نگاهی ماهواره‌ای از برای تاریخ به انقلاب اسلامی ایران بیندازید، معلوم می‌شود چه اتفاقات عظیمی در حال رخ دادن است.

اینها نعمت‌های خداست. از این نباید غافل شد. نباید اجازه داد جنگ روانی دشمن در ما اثر کند. می‌گویند مردم از روحانیت برگشته‌اند! من این را قبول ندارم. البته یک عده هیچ‌وقت همراه دین و همراه روحانیت نبوده‌اند. عده‌ای هم گلابیه‌هایی دارند؛ در این شکی نیست؛ و به تعبیر رهبر معظم انقلاب حق آنهاست که چنین گلابیه‌هایی داشته باشند؛ اما من معتقد نیستم که قاطبه مردم از دین یارو روحانیت برگشته باشند. با تمام جهومی که دشمن آورده و این جنگ بی سابقه سخت و ترمبی که در هر سه حوزه سیاست و فرهنگ و اقتصاد با ما به‌راه انداخته است، من معتقد نیستم دشمن ما را زمین گیر کرده باشد. البته به ما ضربه زده است، یکی از متفکران غربی ولی «ان پیسیتکم قرح فقد مسّ الفوم قرح مثله»؛ اگر بنا باشد در جنگ دست یک طرف را ببندند و به‌طرف دیگر فرصت جنگ بدهند که چیزی اتفاق نمی‌افتد؛ اگر در مسابقه کشتی دست و پای یکی از حرفان را ببندند و دیگری را آزاد بگذارند که این مسابقه قهرمانی نخواهد داشت. در این جنگ هم دست‌طرف مقابل با ما است، هم دست شما. ببینید آنها چقدر لطمه دیده‌اند؛ آمریکا که با حرکت یک کشتی می‌توانست یک دولت را اساقط کند، الان در مسائل منطقه ما با وجود سرمایه‌گذاری فراوان کاری از پیش نمی‌برد. یکی از متفکران غربی قدیم کرد، دولت بعدی هم سوریه و یمن را تقدیم کرد، لابد شما هم می‌خواهید عربستان را به ایران تقدیم کنید. آنها تلاش‌های خود را کردند؛ ولی ما موفق بوده‌ایم. پس این تحلیل‌ها که مردم برگشته‌اند و بحران ایجاد شده و امثال آن صحیح نیست. نباید همه این وقایع و اعتراضات را یک جور تحقیر کرد؛ هم سیطنت در آن است و هم کسانی هستند که واقعا مطالباتی دارند. پس باید متناسب تدبیر شود. بعضی مطالبات هم مطالبات حقیقی است؛ شاید حق نبود که برای عبور از رکود و تورم، این طور به مردم فشار بیاید.